

298(a)

79





عشرون غنّه ده
شلاشین اربعین خمین
بیت سستی جمل پنجاه

ششین هفتین شصتین
شصت هفتاد هشتاد

تسعين مائة
نود صد

لله
بیت یک

در تاریخ داده هم معلوم بود که
ادشش افسس مغانی و با با و از ملک

ولا یفعل یتع علی الابد لان نکره النفی و قعدت یتاق الکلم افاد العموم

ملا خال نظر

بیت سه تنک بیلاباه

ایغ را نوز از عفت
فان فاجی خوانند
با سلسله مع

لا تخذوا المؤمنین بآید که فراموشند مؤمنان که دوستانند کافران
نارویده کافران که دشمنانند اولیاء دوستان متولیان امور خود
من دون المؤمنین بدون از مؤمنان یعنی دوست مؤمن چون
نشان بدیسی مؤمنان باید که کافران را دوستی نگیرند جمعی از اخبار
بارگشای بود طریق دوستی اختیار کرده بودند و عقد موالات و
عقد موالات در میان آورده حتی بسجانه از آن نمی فرموده از روی
تندی لغت و من بعضی ذلك وجه که بکنند این دوستی با دشمنان فلیس
بسی نیست آن از دین خدای فری در بریزی یعنی از حق جمع ندارد
الا تقوا انکم تبرکد و نذر کنند منم تقیه نظر از فرستای کافران فرسید
و چند کردن تقیه در ابتدای کلمه و قبل استخفا امور دین بوده اما از
رخصت تقیه فرزد در الایب نیست سوره آل عمران

ایحسان ربک رب العزّة علی الصّفوة و سلام علی المرسلین و
سورة الصفات

Handwritten signature in blue ink, possibly reading 'محمد بن محمد'.

اگر پرسید که احکام ایمان چند است جواب پنج است اول چیزی که مسلمانان از اسراف بنا کردن در دوام روز مسلمانان را
دانشین میگویند کمان بنام کردن در حق مسلمان چهارم است و دوزخ را نادیده گرفتن و بیخ از
غضب که در تقوی میگردند مهر آن مسلمان شرک است چه شرک بر دو نوع است یکی کفر است چون بت پرستی
و مانند آن دوم معصیت است چنانکه نفع را از دار و بیند نه از خدا تقوی و این مذہب لغایت بد است
و مذہب اهل سنت را عقاب است و نفع و نفع را از فداای تقوی داند
مهاجران بر من میسر من بای